

عيد الفصحى المبارك





اللهم صل على آل أبي أوفى

# کامنجهن اسلامي - استقلال

## تحکیم وحدت

### سخن سردبیر

دولتی شدن و از دست دادن استقلال رأی و تصمیم گیری، منفعت طلبی، فقدان جامع نگری و نگاه تک بعدی به مسائل از آفات جنبش دانشجویی و حرکت های دانشجویی است. انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل زمانی از دفتر تحکیم جدا شدند که دفتر تحکیم به یک تشکل دولتی و محلی برای جولانگاه احزاب و جریانات سیاسی بیرون از دانشگاه تبدیل شده بود و دانشجویان را بازپچه سیاست بازی های خود و دستمایه باند بازی های سیاسی و منافع حزبی و گروهی خود قرار می داد.

انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل معتقد بودند که انتقاد به جریان ها و مسئولان یکی از ضروریات و وظایف جنبش دانشجویی می باشد، اما این به معنای نفی حاکمیت نظام دینی نیست بلکه در جهت رسیدن به چنین نظامی قابل تعریف می باشد. هر چند که این انشعاب به مذاق بسیاری از سیاست گذاران وقت وزارت علوم همچون دکتر معین و معاونین وزارتخانه خوش نیامد که در این زمینه می توان به متن نامه وی خطاب به سید محمد خاتمی اشاره کرد که طی آن خواستار برخورد امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی، حقوقی و قضایی با دانشجویان گردیده بود. اما با تمام این مشکلات، انجمن های اسلامی دانشجویان تشکیل دهنده این اتحادیه، خیلی سریع توانستند براساس حرکت در جهت آرمان ها و اصالت های جنبش دانشجویی مسلمان و بهره مندی از منطق معقول گفتمان انتقادی، این مجموعه دانشجویی را به جایگاه واقعی و اصیل انجمن های اسلامی نزدیک کنند و شعار «نقد حکومت آری، نفی حاکمیت هرگز» را پیشه خود سازند. البته این بدان معنا نیست که نقد منصفانه را کنار بگذاریم، بسیار واضح و مبرهن است که باید از خدمات دولت حمایت و معایب آن را گوشزد کرد.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل، تا پایان دولت اصلاحات تعداد دفاتر دانشگاهی خود را به حدود ۳۰ انجمن اسلامی افزایش داد، تا بتواند زمینه تشکیل بزرگترین اتحادیه انجمن های اسلامی را پس از دوران از هم پاشیدگی دفتر تحکیم وحدت ایجاد نماید و توانست در اسفند ماه سال ۱۳۸۳، به عنوان اولین تشکل دانشجویی، مانیفست فکری خود را مهندسی و در قالب **سند گفتمان جنبش دانشجویی مسلمان** منتشر نماید.

به نظر می رسد پس از شکست پروژه حذف تشکل های دانشجوی محور، تلاش های فراوانی برای تشکیل تشکل هایی با جهت گیری های خاص آغاز شده است و بار دیگر شاهد احیای تشکل هایی هستیم که ناخواسته به تریبونی برای ایجاد موضوعات انحرافی تبدیل شده اند که همین انحرافات عامل دوری تشکل های دانشجویی از جریان مطالبه گری می شود. گویا برخی از تشکل ها نقش و رسالت دانشجویی خویش را فراموش کرده اند و تشکل را با تریبونی برای فریاد جهت گیری های سیاسی و اجتماعی خود اشتباه گرفته اند و به جای مستقل اندیشیدن صرفاً بدنبال تکرار سخنان شکست خورده همسو با خود هستند. حال این فکر ها میتواند شامل جهت گیری های سیاسی باشد یا نظریات جامعه شناسانه...

فرجام سخن اینکه دانشجو باید مستقل بیندیشد و مستقل عمل کند و در همه عرصه ها "مستقل" باشد.

این متن رو دوبار بخون چون از یک جایی به بعد درباره دفتر تحکیم حرف نمی زدیم

رونوشت به شکل های اطراف



نشریه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صنفی ردیا  
سال چهاردهم :: شماره ۷۸ :: اسفند ۱۴۰۲ :: ۶ صفحه

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان

### فهرست

- کدام انجمن اسلامی
- اطلاعیه
- تفرقه بنداز و حکومت کن
- سبک زندگی
- افلاکیان
- نه غزه نه لبنان، چخبر از سیستان؟!
- طلبه، ناموس، شهرگ
- زن در اسلام
- نوکران غرب
- آزادی زندگی زن (روز جهانی ظلم به زن)
- گزارش تصویری



**رای حق تو مست**  
آن راه چیزی نفروش!

اسکن کنید و ویژه نامه انتخاباتی ما را بخوانید

اگر از این پول ها در سطح شهر پیدا کردید، ذوق نکنید. شما پولی بدست نیاوردید، تبلیغ انتخاباتی پیدا کردید...  
کار خودتون که نه، اما کار خودمون بوده (:

بعد از پایان ۶ سال شرایط جنگی (۱۳۲۰-۱۳۲۶) در ایران و قحطی و استعمار، کم کم نیروهای متفقین از ایران خارج شدند ولی شرایط تا سالهای بعد اصلا خوب نبود و بعد از آن نیز آثار سوء سیاسی و اقتصادی حضور متفقین (انگلیس، آمریکا و شوروی)، مانند قحطی که جان چند میلیون ایرانی را گرفت و نفوذ سیاسی آنها بویژه نفوذ انگلیسی، بر جای ماند و دعواها بر سر منابع نفتی ایران شروع شد.

۳ سال بعد از جنگ جهانی دوم دوران بی ثباتی سیاسی ایران بود و تحولات زیادی در ایران دوران و بعد از آن اتفاق افتاد، مانند غائله آذربایجان و کردستان و امتیاز نفت شمال و کودتای ۲۸ مرداد، یکی از این اتفاقات نهضت ملی شدن نفت بود ...

در این شرایط مجلس پانزدهم روی کار آمد و احمد قوام که در آن زمان نخست وزیر بود برای پیشبرد سیاست‌هایش آیت الله کاشانی را در ۲۵ تیر ۱۳۲۶ دستگیر کرد که با اعتراض نمایندگان مجلس به رهبری دکتر مصدق مواجه شد همچنین در سال ۱۳۲۶ بعد از سفر محمدرضا به انگلیس سیاست‌های جدیدی شکل گرفت و محمدرضا نظام پارلمانی را به تقلید از آمریکا و انگلیس به ایران آورد و متعاقب آن حق انحلال مجلس سنا و شورای ملی را به دست آورد و از این تاریخ دربار به صورت فعالانه وارد صحنه سیاسی شد.

کم کم زمان مجلس پانزدهم به اتمام رسید مجلس جدیدی در حال شکل‌گیری بود اما مجلسی که با دخالت‌های دولت می‌خواست شکل بگیرد که البته با حضور آگاهانه مردم و ترور عبدالحسین هژیر وزیر دربار توسط فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی انتخابات دوره شانزدهم ابطال شد و در انتخابات بعدی دکتر مصدق و تعدادی از پیروانش وارد مجلس شدند آیت الله کاشانی نیز بعد از ۱۸ ماه تبعید و با استقبال گرم مردم، وارد تهران شد.

در این شرایط رزم آرا نخست وزیر شد و درصدد برآمد که مالکیت نفت را به انگلیس واگذار کند آیت الله کاشانی نیز با او مخالفت کرد و او را عامل بیگانه معرفی کرد و تظاهراتی را در تهران بر علیه رزم آرا به راه انداخت و در قطعنامه پایان تظاهرات برای اولین بار شعار ملی کردن نفت را بیان کرد رزم آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ توسط فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی ترور شد و آیت الله کاشانی نیز طی مصاحبه‌های اعلام کرد که دولت جز ملی کردن نفت راه دیگری ندارد و سرنوشت نفت در دست کمیسیون نفت مجلس قرار گرفت که رئیس کمیسیون دکتر مصدق بود و طرح ملی کردن نفت را در ۲۴ اسفند در مجلس شورا و سپس نمایندگان مجلس سنا در ۲۹ اسفند تصویب کردند و صنعت نفت ایران بعد از گذشت ۵۰ سال ملی شد.

اما نکته‌ای که نباید به راحتی از آن گذر کرد این است که این نهضت به دست مردم و به رهبری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق انجام گرفت، مردمی که طعم قحطی و استعمار را چشیده بودند و تشنه آزادی و

عدالت بودند و وقتی که آیت الله کاشانی و دکتر مصدق حرکتشان را آغاز کردند مردم با آنها همراه شدند و این نهضت به ثمر نشست و اگر مردم پشتوانه این نهضت نبودند، این نهضت به ثمر نرسید اما چه شد که سه سال بعد کودتای ۲۸ مرداد رخ داد و دولت دکتر مصدق سرنگون شد.

بعد از ملی کردن نفت، انگلیسی‌ها که به راحتی از این منابع نفتی دست نمی‌کشیدند کارشکنی‌های زیادی کردند و کشتی‌های جنگی خود را به آب‌های ایران فرستادند.

از طرفی هم ملی شدن نفت آتشی را در دل مردم ایران روشن کرده بود که به این راحتی نمی‌شد آن را خاموش کرد و دولت حسین علا بر اثر این فشارها مجبور به استعفا شد.

دربار که می‌خواست جو را آرام کند به خیال آنکه مصدق پیشنهاد نخست وزیری را رد می‌کند به او پیشنهاد نخست وزیری دادند و مصدق این پیشنهاد را قبول کرد و در راس دولت قرار گرفت و در اولین اقدام خود شرکت‌های انگلیسی که در آبادان حضور داشتند را از ایران اخراج کرد و شرکت ملی نفت ایران تاسیس گردید و این شرکت علیه شرکت‌های انگلیسی در دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت کرد و انگلیس نیز متعاقباً شکایاتی بر علیه ایران مطرح کرد.

در این میان آیت الله کاشانی نیز مردم را به حمایت و همکاری با دولت دکتر مصدق ترغیب می‌کرد هر چند زمره‌های مخالفت با برخی انتصابات دولت دکتر مصدق شنیده می‌شد اما آیت الله کاشانی، او را در انتخاب کابینه اش آزاد گذاشت.

مجلس دوره شانزدهم نیز به پایان رسید و کسانی که از ملی شدن نفت ناراضی بودند و منافع خود را در خطر می‌دیدند مانند حزب توده که دست نشانده شوروی و نیروهای انگلیسی، نهایت تلاش خود را به کار گرفتند تا انتخابات این دوره به نفعشان تمام شود و این نهضت را به زمین بزنند آیت الله کاشانی نیز سعی می‌کرد وحدت جامعه را حفظ کند و در نطقی که به مناسبت شهادت امام صادق داشت بیان کرد که دشمن به دنبال اجرای سیاست (تفرقه بینداز و حکومت کن) است؛ دکتر مصدق هم در یک اقدام صحیح کنسولگری‌های انگلیسی که به مراکز توطئه‌چینی تبدیل شده بودند را تعطیل کرد و انتخابات را زودتر از موعد تمام کرد و مجلس هفدهم با ۷۰ نماینده در فضای ملت‌هپ و پرهیاهو تشکیل شد.

دکتر مصدق هم به دلیل اختلاف با شاه بر سر وزارت جنگ در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا داد. در پی این اقدام شاه احمد قوام السلطنه را نخست وزیر اعلام کرد و مجلس هم با وجود نداشتن حد نصاب قانونی قوام را تایید کرد و عوام حق انحلال مجلس را نیز از شاه

دریافت کرد. آیت الله کاشانی با شنیدن خبر نخست وزیری قوام اعلام کرد که قوام خائن به ملت است و باید برکنار شود و مصدق بازگردد.

احمد قوام هم در جواب این حرکات اعلام کرد که دین از سیاست جداست و اعلامیه‌ای را علیه آیت الله کاشانی منتشر کرد آیت الله کاشانی هم حملاتی را علیه شاه شروع کرد و مردم را دعوت به مقاومت اسلامی کرد سپس نامه‌ای به وزیر دربار نوشت و خواست که دولت مصدق بازگردد و گرنه انقلابی را علیه‌ها شروع می‌کند و خودش جلودار این حرکت می‌شود.

قوام هم دستور بازداشت آیت الله کاشانی و انحلال مجلس را صادر کرد که با انتشار خبرگزاری‌ها سیاست ناکام ماند اما زمینه را برای قیام عمومی ۳۰ تیر آماده کرد.

بازار تهران نیز از ۲۶ تا ۲۹ تیر بسته شد و مردم به خیابان‌ها ریختند و در ۲۹ تیر آیت الله کاشانی اعلام کرد که قوام باید کنار برود و شاه هم که از این اعتراضات به مردم ترسیده بود قوام را تلفنی برکنار کرد و دولت مصدق بازگشت.

همچنین قیام ۳۰ تیر همزمان با رای دادگاه لاهه به نفع ایران بود و آیت الله کاشانی نیز رئیس مجلس شورای ملی شد.

قوه مجریه در دست مصدق و قوه مقننه در دست آیت الله کاشانی بود و همه شرایط آماده بود اما دست نفاق و چند مورد دیگر باعث شد تا نهضت با شکست مواجه شود.

مصدق نتوانسته بود مناقشات با انگلیس را به سر انجام برساند، چون استقلال کامل ایران را می‌خواست و انگلیس هم نمی‌خواست نفت را از دست بدهد.

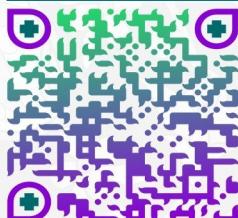
از طرفی هم حق قانونگذاری را از مجلس دریافت کرده بود و انتظار مردم بالا رفته بود و مصدق نتوانسته بود کاری کند و بعد از ۶ ماه دوباره از مجلس درخواست کرد که حق قانون‌گذاری را دریافت کند ولی مجلس مخالفت کرد و مصدق هم خواستار انحلال مجلس از طریق رفراندوم شد.

بدین ترتیب اختلافی میان این دو رهبر افتاد و دولت مردان طرفدار مصدق اعلام کردند که دین از سیاست جداست و خواستار جدایی نیروهای مذهبی که بدنه اصلی نهضت بودند، شدند.

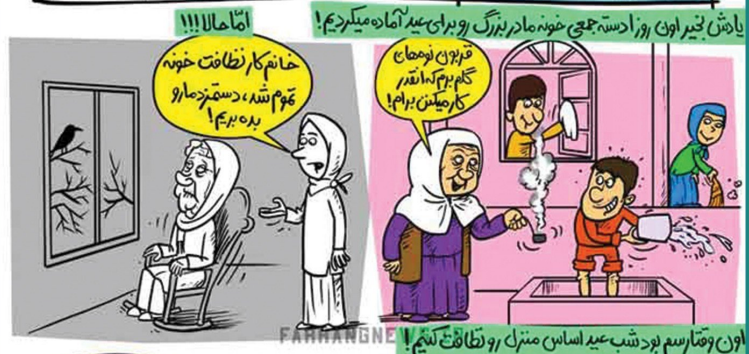
نیروهای فتنه‌انگیز انگلیسی و آمریکایی این درگیری هم و نامنی‌هایی را در کشور به راه انداختند و باعث شد تا آمریکا از این فرصت استفاده کند و با وجود اینکه مصدق بسیار به آمریکایی‌ها اعتماد داشت، به مصدق خیانت کردند و کودتای ۲۸ مرداد را علیه او راه انداختند.

رهبران نهضت زندانی یا تبعید شدند و آمریکا از این تاریخ جایگزین انگلیس شد و آمریکایی‌ها وارد ایران شدند و نهضت با شکست مواجه شد.

هر چند این شکست مقدمه‌ای برای نهضت ۱۵ خرداد و بعد ها انقلاب اسلامی شد.



یادش خیر اون روز آدسه جچی خونه مادر بزرگ رو بری عبد آماده مکنرم!



سالی که غنی سازی اورانیوم تعلیق شد، مصطفی آرام نمی گرفت. آن موقع من مسوول سیاسی بسیج دانشگاه شریف بودم. دوستان را جمع کرد و گفت: بیایید برویم جلوی وزارت خارجه تجمع کنیم. گفتیم: مگر با یک تجمع درست می شود؟ گفت: فقط یک ماه دیگر مانده تا به سه و نیم درصد غنی سازی برسیم. نباید اجازه دهیم این همه زحمت بر باد برود. اصرار کرد. با اینکه غنی سازی انجام می شد یا نمی شد، مصطفی حقوقش را سر موقع می گرفت. با این حال ساکت ننشست. خودش به این در و آن در می زد و به دفتر هر مسوولی که می توانست می رفت و شخصا پیگیری موضوع می شد. می گفت اگر به سه و نیم درصد غنی سازی برسیم خیلی از مشکلات حل می شود. اراده اش واقعا عجیب بود.

نه غزه، نه لبنان چخبر از سیستان!

می گفتند نه غزه نه لبنان اما صدای جانم فدای ایران گفتن شان آنقدر آهسته بود که هیچکس نمی شنید... (شاید هم به ناچار برای جور شدن قافیه این عبارت را هم چسباندند بودند تنگ شعارشان) همان کسانی که همیشه در بزنگاه های تاریخ نشان داده اند که وقتی پای منافع و دنیای پر زرق و برقشان به میان بیاید از تسلیم کردن هیچ چیز ابایی ندارند. داستان اما از جایی شروع شد که عده ای هنوز نفهمیده بودند که حکایت ارتباط ایران، لبنان و فلسطین، حکایت خانه و مسجد نیست و از ضرب المثل نامربوط "چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است" رسیدند به شعار: "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران". هرچند بارها ثابت شده کسانی که چنین شعار هایی می دهند، در میدان عمل شانه خالی می کنند. اما حالا که بحث سیل سیستان داغ هست کافی است ببینیم چه کسانی به یاری سیل زدگان شتافتند و چه کسانی در ترافیک های شمال کشور برای گذراندن تعطیلات هستند. این روزها جوانان حزب الله مرزهای ایران را به آسوی سوریه کشانده اند و گوش به فرمان رهبری از ایران دفاع می کنند. حالا همه می دانیم و می دانند که شعار نخ نما شده ی روزهای فتنه چه اندازه احمقانه و کوتاه فکرانه است. شهادت سید رضی موسوی، صالح العاروی، وسام حسن الطویل و یاران شهیدشان بار دیگر نشان داد که ایران، فلسطین و لبنان اعضای یک پیکره اند که ضربه به یکی، دیگری را از کار خواهد انداخت... ایران، لبنان و فلسطین امروز بیش از آنکه ایران و لبنان و فلسطین باشند پیکره ی واحد امت اسلامی اند و ایران بعنوان الهام بخش و مرکز امت اسلامی و کانون مبارزه با شیطان بزرگ همواره در خط مقدم این جبهه حضور خواهد داشت.

روزی روزگاری بجای چشم و هم چشمی ها، چشممون به دهن پدر و مادر بود که بگن خونه نشینی کافیه، لباس بپوشید بریم خونه فامیل... اما آروم آروم این رسوم داره به فراموشی سپرده میشه. ترسم از اینکه که روزی بچه هامون اصلا معنای صلح را ندوند.

امام علی علیه السلام: صَلَّةُ الرَّحْمِ تَوْجِبُ الْمَحَبَّةَ وَتَكْبِتُ الْعَدُوَّ؛ صلح رحم، محبت آور است و دشمنی را از بین می برد

طالبانه، ناسوسی، شاه شکر

امر به معروف می کنند، برامون عادی شده؛ خرداد ماه سال جماعت دانشگاه علوم پزشکی تهران در جریان نهی از منکر قرار گرفت و در جریان این اتفاق، بینایی چشم راستش را از جا ختم نشد. در تیر ماه همان سال حجت الاسلام علی زمانی که قصد داشت دانش آموزان هیئتی را به ایجاد مزاحمت برای چند خانم می شود و زمانی که به آن ها و از ناحیه کردن و شاهرگ به شدت آسیب می بیند. دفاع از ناموس هم وطن خود از شاهرگ خود بگذرد منتقل کند و او حدود ۱۵ دقیقه در خون خود به حالت بیمارستان می رسانند که به دلیل مشکلات مالی و سایر اتفاقی توسط چند بیمارستان دیگر هم رخ می دهد. تا اینکه مبلغ ۶ میلیون تومان حاضر به پذیرش وی شد. بود بارها به دلیل جراحات ناشی از آن ضربه، دچار مشکلات سر انجام در سوم فروردین سال ۹۳ دعوت حق را لبیک



انگار دیگر توهین و کتک خوردن افرادی که ۹۰ بود که حجت الاسلام فروزش امام از سوی عده ای اوباش مورد حمله دست داد؛ اما این بی حرمتی ها به همین خلیلی هنگام بازگشت از هیات، و خانه هایشان برساند، متوجه اراذل و اوباش و تذکر می دهد، مورد ضرب و شتم قرار گرفته هنگامی که شهید علی خلیلی حاضر شد برای کسی نبود حتی پیکر نیمه جان او را به بیمارستان معصومانه ای، می غلتید. تا اینکه افرادی او را به مشکلات، از پذیرش او سر باز می زنند همین یکی از بیمارستان های خصوصی در ازای واریز این شهید بزرگوار در طول ۲ سالی که مجروح شده فراوانی از جمله سگته مغزی شده بود و گفت. روحش قرین رحمت الهی باد

محمد مهدی سقاچر دانشجو کارشناسی حسابداری

۳ فروردین سالروز شهادت شهید امام به معروف نهی از منکر

## زن در اسلام

عَوْدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ  
فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ  
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾

همانا آن کوثری را که خدای سبحان به وجود مبارک پیغمبر (ص) داده است، یک خیرِ کثیرِ مانا و پایا و پایدار است...

سوره مبارکه‌ی کوثر نمونه‌ی ای اصیل از جایگاه والای یک زن در دین مبین اسلام است لکن تنها نمونه نیست و در بسیاری از آیات قرآن، بتِ مردگرایی، در هم می‌شکند.

برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو بخش پیکره‌ی بشری هستند.

"زن" در اسلام برای ثروت خود، مالک و برای انتخاب همسر آزاد است. در مقابل اداره و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی، مسئول است.

شاید که بحث، بحث این نباشد که زن نمی‌تواند بهتر از مرد باشد! شاید که حرف این است که چگونه خدیجه (س) بود؟ بزرگ‌ترین تاجر مکه و حامی پیامبر اسلام. چگونه می‌توان فاطمه (س)

## نوکران غرب

سوالی که پیش می‌آید این است که کشورهای اسلامی خصوصاً کشورهای عربی منطقه که موضوع سخن ما هستند، چرا در رابطه با غرب دچار نوعی از خود بیگانگی شده‌اند؟

این سؤال پاسخ‌های زیاد و طولانی دارد که به بخشی از آنها قبلاً اشاره شده است. توجه فرمایید که تاریخ می‌گوید بسیاری از همین کشورهای منطقه بعد از فروپاشی عثمانی در جنگ جهانی اول و با حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم انگلیس شکل گرفتند مثل عراق عربستان، اردن، سوریه و...

در واقع این کشورها به صورت امروزی سابقه زیادی ندارند. این کشورها به دنبال نوعی هویت سازی هستند این هویت سازی با حمایت غربی‌ها انجام می‌شود. مثل امارات متحده عربی.

در واقع این کشورها خودشان را مدیون غرب خصوصاً انگلستان می‌دانند. حال چطور از این‌ها می‌توان انتظار داشت همچون جمهوری اسلامی ایران علیه غرب بایستند و بر ضد جنایات رژیم اسرائیل اقدامی کنند؟ کشورهایی که اگر حمایت استعمارگرانی چون انگلیس و فرانسه نبود اصلاً به وجود نمی‌آمدند.

این بحث خیلی مهم است، کافی است به تاریخ آنها رجوع کنید. از یکی از کارشناسان عرب پرسیدند: چرا شما همانند ایران، ضد غرب نیستید؟ او گفت: ایران کشوری است که قدمت زیادی دارد اما کشورهای عربی چندان ندارند. ما اصولاً هویت خود را مدیون غربی‌ها هستیم چطور می‌توانیم ضد آنها باشیم؟! به راستی حکام عربی خلیج فارس که تاریخ کشورشان با حمایت و کمک غرب شکل گرفته است را چطور می‌توان فرض کرد که مثل ما باشند؟

بود؟ صاحب باغ فدک، هدایت کننده جامعه اسلامی و اصلی ترین مبلغ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. چگونه می‌توان زینب کبری (س) بود؟ بزرگترین اسوه و الگوی صبر و روشنگری برای مردم. چگونه می‌توان ام سلیم بود؟ پرستار و معالجه گر در جنگ‌های احد و حنین و مسبب مسلمان شدن همسرش. و یا حتی چگونه باید ام الاسود بود؟ اولین مسلمان شیعه خاندان آل عین که به واسطه‌ی او، خاندانش بزرگترین خاندان شیعه شدند.

شاید بگویید که عهد قجر ما را چه کار؟

پس باید برای تان از سهیلا سامی، جراح نابغه ایرانی بگوییم که با ۳۰ سال سن، ۵۰۰ جراحی مغز و اعصاب داشته است یا از خانم لعبت گرانیپایه معروف به جراح نیازمندان با سابقه ۵۴ هزار ویزیت و ۱۵۰۰ جراحی رایگان. و حتی تاهانی عامر، از برجسته‌ترین دانشمندان ناسا است که شک دارم اسم او به گوش تان خورده باشد!

دکتر مریم اسلامی، دکتر فاطمه فرجادیان، دکتر مریم کوچکی نژاد، مهسا جمشیدی، دکتر طناز بحری، کبری غیاثی، پروفیسور ناهید پوررضا، فائزه کاشانیان، فرانک کبیری، پروفیسور طوبی کرمانی، زهرا نعمتی و زیبا عزیززی از بانوان برجسته مسلمان ایرانی هستند و البته در کشور های دیگر، مسلمانان محجبه دیگری مانند لیلیا علاوا، ابتهاج محمد، نیلوفر رحمانی و ملاله یوسف.

و هزاران هزار بانوی دیگر از دختران این مرز و بوم که نام و شهرت‌شان مخفی‌ست.

شاید که باید بخوانیم و بدانیم و بشنویم و ببینیم زنان را؛ اما نه برای زیبایی جسم و تن‌شان! بلکه از برای اینکه زنان ذاتاً افتخار آفرین‌اند و با حجاب نیز حماسه می‌آفرینند! «غفر الله لنا و لکم و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته»

فاطمه مری باقر  
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

نمی‌خواهم آنها را تطهیر کنم بلکه می‌خواهم بگویم اصولاً شکل گیری آنها با حمایت غربی‌ها بوده است در نتیجه نباید از اقدامات آن‌ها تعجب کرد. در واقع تاریخ هر ملتی امروز آنان را می‌سازد.

بحث دوم: شاید یکی از دلایل کم کاری مسلمان را ساختار روابط بین الملل دانست روابط بین الملل بی‌نظم و قاعده نیست که هر کس بخواهد آن عوض کند یا هر جور که دلش می‌خواهد رفتار کند بلکه بسیاری از مواقع دولت‌ها نمی‌توانند به خاطر پیامدهای یک اقدام کاری را انجام دهند. هر عملی نتایجی در بر دارد در ساختار روابط بین الملل این قدرتهای بزرگ هستند که از بقیه کشورها مؤثر تر هستند

گرایش یک کشور به یک قدرت باعث بر هم خوردن تعادل آنها میشود به همین خاطر است که آمریکا و چین سعی میکنند کشورهای بیشتری را با خود همراه سازند مثلاً چرا کشورهای عربی نتوانستند بیش از این به فلسطین کمک کنند؟ یکی از پاسخها ساختار روابط بین المللی است که به آنها اجازه نمی‌دهد هر طور که خواستند عمل کنند هر کنش واکنشهای زیادی در بر دارد. البته نباید در مورد ساختار روابط بین الملل مبالغه کرد اما باید داشت که واقعاً مهم است این بود دو نکته قابل ذکر امیدوارم که جرقه‌ای باشد در ذهن دانشجویان... العاقل یکفیه الاشار(برای انسان عاقل یک اشاره کافی است)

امین فلاح  
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی



من با یزید نیستم. فقط بهشون نعل می‌فروشم  
کوفه، سال ۶۱ هجری



من با اسرائیل نیستم فقط بهشون نفت می‌فروشم  
بعضی کشورهای اسلامی، سال ۱۴۴۵ هجری

# آزادی، زندگی، زن (روز جهانی زن) <sup>ظلم به</sup>

زن را آفریده است.

ویل دورانت می‌گوید: «تا اوایل قرن بیستم، زن به سختی دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون، آن را محترم بشمارد.» نه حق مالکیت، نه حق تحصیل، نه حق رای و نه هیچ حق دیگری!

مثلا در مورد حق تحصیل که از حقوق اولیه و طبیعی یک انسان میباشد، در روسیه تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، دخترها از آموزش ابتدایی محروم بودند

ژان ژاک روسو می‌گوید: به طور کلی زنان هیچ هنری را دوست ندارند و قدردانی نمی‌کنند و هیچ نبوغی ندارند.

از ارسطو فیلسوف بزرگ یونانی نقل شده: زن چیزی نیست مگر مرد ناکام، خطای طبیعت و حاصل نقصی در آفرینش.

نیچه، فیلسوف بزرگ آلمانی قرن نوزدهم میلادی می‌گوید: وقتی نزد زن می‌روی، شلاق را فراموش نکن.

متاسفانه این عقاید انحرافی و زشت، کم کم به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شد و در سرزنش و تحقیر زن، ضرب المثل‌هایی ساخته شد. مثلا در یونان می‌گفتند: سه چیز شر است؛ آتش، طوفان و زن. در بین نروژی‌ها هم رایج بود: شیطان به گرد زن هم نمی‌رسد.

تا اوایل قرن بیستم همین روش ادامه داشت و هیچ حق و حقوقی برای زن دیده نمی‌شد چه برسد به اینکه حقوق زنان مراعات بشود.

این حق کثی و تحقیر زن در همه جا وجود داشته است. اما ناگهان ورق برگشت...!

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اوضاع در غرب به شدت تغییر کرد.

آیا زن جایگاه خودش را پیدا کرد؟ شخصیت و احترام حقیقی برای او قائل شدند؟

حقوق اولیه و انسانی او محترم شمرده شد؟

احتمالا مفاهیمی همچون فمینیسم، برابری جنسیتی، آزادی زنان و... از آنجا به بعد شکل گرفت، یا شاید هم...

ادامه دارد...

( در قسمت بعد خواهید خواند:

زنان، کارگران ارزانتر

آزادی به نام زنان، به کام سرمایه داران

اسلحه، دارو، زن! )

حدود ده روز پیش، هشتم مارس، روز جهانی زن بود.

روزی که از اوایل قرن بیستم به این عنوان نامگذاری شد. اما دلیل این نامگذاری چه بود؟ مگر در ۸ مارس چه اتفاقی افتاده است؟

«در سال ۱۹۰۸ میلادی، تعدادی از کارگران زن که به واسطه شرایط کاری سخت و غیر انسانی و همچنین دستمزد کم، در یک کارخانه پوشاک در شهر شیکاگو برای اعتراض به این شرایط دست به اعتصاب زده بودند، توسط صاحب کارخانه در محل کارشان حبس شدند و با آتش گرفتن کارخانه، ۱۲۹ تن از آنان زنده زنده سوختند.»

باورش سخت است!

شرایط کاری سخت و غیر انسانی؟ دستمزد کم؟ ظلم به زنان؟ زنده زنده سوزاندن کارگرانی که فقط اعتراض داشتند؟

این عبارات که به تمدن غرب نمی‌چسبد! حتما جدی نمی‌فرمایید...

احتمالا منظورتان یکی از کشور های جهان سومی یا آفریقایی یا شاید هم... است.

ما که در سال های اخیر و شاید بتوان گفت دهه های اخیر، عباراتی از قبیل احقاق حقوق زنان، فمینیسم، برابری جنسیتی، تساوی زن و مرد و... را از غربی ها شنیده ایم.

بگذارید به کمی عقب تر... نه! خیلی عقب تر برگردیم...

تا پیش از اواخر قرن نوزدهم، در گذشته ای نه چندان دور، در غرب به زن، نگاه تحقیرآمیزی به شکلی آشکار و واضح وجود داشت.

به طوری که در گفته ها و نوشته های افراد مشهور و دانشمندان و فیلسوفان آن زمانه هم می توان این نگاه را به وضوح دریافت.

افلاطون که معرف حضورتان است، در کتاب «جمهور»، وجود زن را اضافی و فقط برای خدمت به مرد بیان می کند. او می گوید: از میان امور نیکی که به سبب آن باید سپاس خدایان را به جای آورد، نخست این است که مرا آزاد آفریده اند؛ نه برده؛ دوم اینکه مرا مرد خلق کرده اند؛ نه زن.

فیثاغورث، دیگر دانشمند یونانی شش قرن قبل از مسیح میگوید: در هستی یک «اصل خوبی» وجود داشته که نظم، نور و مرد را آفریده و یک «اصل بدی» وجود داشته که آشوب، تیرگی و

سلسله مناظرات انتخاباتی بهارستان در دانشگاه اصفهان با حضور نامزد های نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

این جلسات با حاشیه های مختلفی از جمله بد قولی برخی از مهمانان همراه بود.

شما میتوانید با مراجعه به کانال های ایتا و تلگرام انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان و جست و جوی #بهارستان از شرح برنامه ها مطلع شوید.

## گزارش تصویری

